

مفهوم گذار به دوره بزرگ سالی در میان پیش‌بزرگ سالان ایرانی: چشم‌انداز فرهنگی و اجتماعی

مسعود کیانی*

الهه حجازی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی مفهوم بزرگ‌سالی و تأثیر متغیرهای فرهنگی و اجتماعی بر اهمیت‌دهی به نشانه‌های آن در میان نمونه‌ای از پیش‌بزرگ سالان ایرانی است. جامعه پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه تهران است که از میان آن‌ها ۳۰۱ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و پس از غربال‌گری برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند (دامنه سنی شرکت‌کنندگان ۱۹ تا ۲۸ سال است). شرکت‌کنندگان به پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت‌شناختی، سیاهه ابعاد پیش‌بزرگ‌سالی، پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگ‌سالی و نسخه دست‌یابی به پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگ‌سالی پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون t، آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی بنفرونی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، وضعیت تأهل، عضویت در خرده‌فرهنگ‌های قومی روی دیدگاه افراد از مفهوم بزرگ‌سالی به صورت معناداری اثرگذار هستند ($P < 0/05$). در مورد اهمیت نشانه‌های بزرگ‌سالی در فرهنگ ایرانی، یافته‌ها نشان داد که شرکت‌کنندگان به‌طور معناداری بیشترین اهمیت را برای نشانه‌های مقیاس استقلال‌طلبی،

* استادیار روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی دانشگاه کاشان (m.kiani@kashanu.ac.ir) (نویسنده مسئول)

** دانشیار روان‌شناسی رشد، گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره، دانشگاه تهران

وابستگی متقابل، توانایی تشکیل خانواده و قبول هنجارها قائل بودند ($P < 0/01$). در حالی که نشانه‌های مربوط به مقیاس‌های گذار زیست‌شناختی و گذار قانونی به‌طور معناداری اهمیت کمتری از متوسط برای بزرگ‌سال شدن از نظر دانشجویان داشتند ($P < 0/01$). در نهایت، دانشجویان معتقد بودند که در حال حاضر آن‌ها تنها نشانه‌های مربوط به مقیاس‌های قبول هنجارها، وابستگی متقابل و استقلال‌طلبی را دارند. دانشجویان از نظر دستیابی به این نشانه‌ها به‌صورت معناداری خود را بالاتر از سطح متوسط ارزیابی کردند ($P < 0/01$). این در حالی است که آن‌ها مطابقت نشانه‌های مربوط به گذار نقش را در خود به‌صورت معناداری کمتر از سطح متوسط می‌دانستند ($P < 0/01$).

واژه‌های کلیدی

دوره پیش‌بزرگ‌سالی، نشانه‌های بزرگ‌سالی، تکالیف گذار، خرده فرهنگ‌های ایرانی، و روان‌شناسی فرهنگی.

مقدمه

در گذشته، دستیابی به دوره‌های مختلف زندگی بر اساس قرارگیری در سن تقویمی معینی تعریف می‌شد؛ ولی نظریه پردازان جدید با مطرح ساختن مفهوم «تکالیف گذار» عبور از یک دوره تحولی به دوره دیگر را منوط به دستیابی به تکالیف معینی می‌دانند که عامل اصلی تبیین‌کننده این تکالیف، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه است. برای نمونه هاوینگ هرست^۱ (۱۹۵۲) ملاک عبور از یک مرحله تحولی به مرحله دیگر را «آزمایه‌های تحولی»^۲ می‌داند. آزمایه‌های تحولی ملاک‌های وابسته به فرهنگ هستند و به مهارت، دانش، کارکردها و نگرش‌هایی اشاره دارند که افراد باید به منظور اتخاذ نقش مؤثر به‌عنوان فردی رسیده در مقاطع زمانی خاصی از زندگی‌شان فراگیرند (موسانت^۳، ۲۰۱۴). از نظر هاوینگ هرست، آزمایه‌های تحولی برای رسیدن به دوره بزرگ‌سالی شامل این موارد هستند: (۱) پذیرش فرد توسط خودش، (۲) استقلال هیجانی، (۳) کسب نقش جنسی اجتماعی مردانه یا زنانه، (۴) کسب روابط جدید و ریش یافته با دو جنس، (۵) میل به رفتار

1. Havighurst
2. developmental-task
3. Musante

مسئولانه، ۶) کسب ارزش‌های اخلاقی: هویت و راهنمایی عمل، ۷) آمادگی برای حرفه درآمدها، ۸) آمادگی برای ازدواج و تشکیل خانواده (رایس^۱، ۲۰۰۱).

آرنت^۲ (۲۰۰۳) معتقد است عوامل فرهنگی و اجتماعی تعیین‌کننده دیدگاه هر جامعه نسبت به دوره‌های تحولی مختلف است. او در مطالعات خود بر روی جوانان ۱۸ تا ۲۸ ساله آمریکایی به این نتیجه رسید که برای عبور از دوره نوجوانی به دوره بزرگسالی مرحله تحولی دیگر را با عنوان «گذار به بزرگسالی^۳ یا مرحله پیش‌بزرگسالی» می‌توان در نظر گرفت. طول دوره پیش‌بزرگسالی و زمان شروع و پایان آن ممکن است از فرهنگی به فرهنگ دیگر متمایز باشد. افراد در این دوره تحولی با پنج خصیصه اصلی شناسایی می‌شوند: ۱) احساس بینابین بودن^۴ (به این معنی که فردی که در این دوران است خودش را نه بزرگسال می‌داند و نه نوجوان)، ۲) اکتشاف هویت^۵ (به‌ویژه در حیطه‌های کار، عشق و جهان‌بینی)، ۳) تمرکز بر خود^۶ (نه به این معنی که فرد خود-محور است، بلکه صرفاً به این معنا که فرد در قبال دیگران تعهدی ندارد)، ۴) عدم ثبات^۷ (از لحاظ وضعیت اقامت، روابط عاشقانه، شغل و تحصیلات) و ۵) دوران احتمالات^۸ (یعنی اینکه فرد احساس می‌کند هنوز قابلیت این را دارد که زندگی‌اش را در مسیرهای متعددی که آن‌ها را مطلوب می‌پندارد، هدایت کند. در واقع، فرد هنوز تصمیم نگرفته است که از بین مسیرهای مختلف زندگی کدام را انتخاب کند) (آرنت، ۲۰۰۰، ۲۰۱۵، ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷).

نتایج پژوهش‌های انجام‌شده بر روی اقلیت‌های فرهنگی و گروه‌های قومی (آرنت، ۲۰۰۳) و گروه‌های مذهبی (نلسون^۹، ۲۰۰۳) نیز از این فرضیه حمایت می‌کنند که پیش‌بزرگسالی دوره‌ای از تحول است که براساس مفروضات فرهنگی ساخته شده است. بر این اساس، هدف مطالعه حاضر بررسی مفهوم بزرگسالی در بستر فرهنگی ایران، در نگاه افرادی است که در دوره پیش‌بزرگسالی قرار گرفته‌اند. پژوهشگران ابتدا می‌خواهند

1. Rice
2. Arnett
3. emerging adulthood
4. feeling "In-Between"
5. identity exploration
6. self-focused
7. instability
8. possibilities
9. Nelson

به بررسی این موضوع پردازند که با توجه به چشم‌انداز فرهنگی و اجتماعی، پیش‌بزرگ‌سالان ایرانی ملاک‌های دستیابی به دوره بزرگ‌سالی را چگونه اولویت‌بندی می‌کنند و اینکه آنان تا چه اندازه توانسته‌اند این ملاک‌ها را جهت ورود به دوره بزرگ‌سالی برآورده سازند. اهمیت انجام این پژوهش زمانی روشن می‌شود که بدانید با آنکه بررسی مفهوم بزرگ‌سالی در فرهنگ‌های مختلف با استقبال گسترده‌ای روبه‌رو شده است (نک: دیوتی^۱، ۲۰۰۶؛ نلسون و همکاران، ۲۰۰۴؛ چی و نلسون^۲، ۲۰۰۴؛ باگر^۳ و همکاران، ۲۰۰۶؛ نلسون و چن^۴، ۲۰۰۷؛ زوباراولو^۵، ۲۰۰۸؛ سیتز^۶، ۲۰۱۰؛ فاسیو و میوکی^۷، ۲۰۰۳؛ پتروگیانیس^۸، ۲۰۱۱؛ مایسلس و شارف^۹، ۲۰۰۳؛ روزنبرگر^{۱۰}، ۲۰۰۷، فرستبرگ^{۱۱}، ۲۰۱۶)، اما این مفهوم در فرهنگ‌های غیرغربی (به استثنای چین) کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. به همین قیاس، هیچ مطالعه‌ای تاکنون مفهوم بزرگ‌سالی را در میان پیش‌بزرگ‌سالان ایرانی بررسی نکرده است.

در نسل‌های گذشته و در بسیاری از فرهنگ‌هایی که بر حسب معیارهای امروزی سنتی قلمداد می‌شوند، رویدادهایی نظیر ازدواج، اتمام تحصیلات و بچه‌دار شدن رویدادهایی بودند که تعیین‌کننده ورود به دروازه‌های بزرگ‌سالی شمرده می‌شدند (گیلمور^{۱۲}، ۱۹۹۰؛ اشلگل و باری^{۱۳}، ۱۹۹۱). در چنین فرهنگ‌هایی دیگران تنها پس از ازدواج، فرد را بزرگ‌سال می‌دانستند و برای او مسئولیت‌هایی متناسب با یک انسان بزرگ‌سال قائل می‌شدند. در دوران گذشته، مسئولیت‌های مهم دوران بزرگ‌سالی در قالب «تأمین‌کنندگی» (تأمین هر گونه نیاز دیگران از قبیل نیاز به تغذیه یا مراقبت)، «محافظة» و «زاد و ولد» خلاصه می‌شد؛ یعنی وظایفی که همگی معطوف به دیگران هستند (آرنت، ۱۹۹۸؛ گیلمور، ۱۹۹۰).

1. Duty
2. Cheah & Nelston
3. Badger
4. Nelson & Chen
5. Zubaroglu
6. Seiter
7. Facio & Micocci
8. Petrogiannis
9. Mayselless & Scharf
10. Rosenberger
11. Furstenberg
12. Gilmore
13. Schlegel & Barry

با وجود این، پژوهش‌های اخیر به‌خصوص در کشورهای غربی نشان داده‌اند بسیاری از افراد ملاک‌های سنتی ورود به بزرگسالی مثل ازدواج، اتمام تحصیلات، به‌دست آوردن شغل و بچه‌دار شدن را در شمار شاخص‌های اولویت‌دار دستیابی به مرحله بزرگسالی به‌شمار نمی‌آورند (آرنت، ۱۹۹۸؛ نلسون و باری^۱، ۲۰۰۶). در گذشته رسیدن به بزرگسالی، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، بیشتر با تکالیفی شناخته می‌شد که به دیگران معطوف بود؛ ولی پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد امروزه در بسیاری از فرهنگ‌ها ملاک‌های مهم رسیدن به دوره بزرگسالی بیشتر به خصایص درونی و فردگرایانه افراد معطوف است (آرنت، ۱۹۹۸). برای مثال، مطالعات آرنت (۲۰۱۷) نشان داد که مردهای جوان امروزی معتقدند هنگامی به سن بزرگسالی پا می‌گذارند که مسئولیت‌های اعمال خودشان را بپذیرند، استقلال مالی داشته باشند و بتوانند مستقل تصمیم بگیرند. از سوی دیگر، زنان نیز زمانی خودشان را در شمار بزرگسالان به حساب می‌آورند که مسئولیت‌های اعمال فردی خودشان را به‌عهده بگیرند، بتوانند تصمیم‌گیرنده‌های مستقلی باشند و به مرحله‌ای برسند که بتوانند دیدگاه‌های دیگران را در نظر بگیرند.

آرنت (۲۰۰۱) برای بررسی مفهوم بزرگسالی از نگاه افراد پیش‌بزرگسال در پژوهش‌های خود از شرکت‌کنندگان می‌خواست میزان اهمیت ملاک‌های مختلف بزرگسالی را با دادن رتبه به ملاک‌هایی که برای رسیدن به بزرگسالی لازم است، تعیین کنند. سؤال‌هایی که شرکت‌کنندگان به آن‌ها پاسخ می‌دادند به هفت حیطه استقلال‌طلبی^۲، توانایی تشکیل خانواده^۳، قبول هنجارها^۴، وابستگی متقابل^۵، گذار زیست‌شناختی^۶، گذار نقش^۷، گذار سنی و قانونی^۸ مربوط می‌شدند. باگر و همکاران (۲۰۰۶) در یک پژوهش روی پیش‌بزرگسالان در فرهنگ چین دریافتند که شرکت‌کنندگان در مقایسه با امریکایی‌ها، ملاک‌های مرتبط با تعهد در قبال دیگران را

1. Nelson & Barry
2. independence
3. family capacities
4. norm compliance
5. interdependence
6. biological transitions
7. role transitions
8. legal and chronological transitions

ملاک‌های مهم‌تری برای نشانه‌های بزرگ‌سالی قلمداد می‌کردند. در این مطالعه، پیش‌بزرگ‌سالان چینی، «قبول هنجارها»، «پتانسیل تشکیل خانواده» و «بلوغ ارتباطی» را بیشتر از امریکایی‌ها به عنوان نشانه‌های بزرگ‌سالی انتخاب کردند. پژوهش‌های دیگری که در کشورهای آرژانتین (فاسیو و میوکی، ۲۰۰۳) و فلسطین اشغالی (مایسلس و شارف، ۲۰۰۳) انجام شده است نیز نقش الگوهای فرهنگی در اهمیت‌دهی به نشانه‌های بزرگ‌سالی را مورد تأکید قرار داده‌اند. به باور آرنت (۲۰۰۰)، برخی از ویژگی‌های فرهنگی مثل فردگرایی و جمع‌گرایی می‌توانند بر روی نگاه افراد پیش‌بزرگ‌سال از ملاک‌ها و نشانه‌های بزرگ‌سالی تأثیرگذار باشند. برای نمونه، افراد پیش‌بزرگ‌سال در فرهنگ امریکا همواره خصایص مقیاس «استقلال‌طلبی» را به عنوان برجسته‌ترین شاخص‌های ورود به بزرگ‌سالی انتخاب کرده‌اند (آرنت، ۱۹۹۴، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷). آرنت این مسئله را ناشی از غالب بودن فرهنگ فردگرایی در میان طبقه سفیدپوست جامعه امریکا می‌داند. او بیان کرد که این موضوع در فرهنگ‌های جمع‌گرا (مثل فرهنگ چین) می‌تواند تفاوت‌های چشمگیری داشته باشد؛ زیرا در این فرهنگ‌ها بیشتر ملاک‌هایی مورد تأکید قرار می‌گیرند که مستلزم قبول مسئولیت در قبال دیگران است (آرنت، ۲۰۰۰).

با توجه به اینکه جامعه ایران در میانه جمع‌گرایی و فردگرایی قرار دارد (عظیمی هاشمی، ۱۳۷۳؛ نوروزی، ۱۳۷۵ به نقل از جوادی یگانه و هاشمی، ۱۳۸۶) و با در نظر گرفتن اینکه در فرهنگ‌های جمع‌گرا ملاک‌های لازم برای رسیدن به بزرگ‌سالی با فرهنگ‌های فردگرا متفاوت است (نلسون و همکاران، ۲۰۰۴؛ فاسیو و میوکی، ۲۰۰۳؛ مایسلس و شارف، ۲۰۰۳)، مسئله اصلی این پژوهش بررسی مفهوم بزرگ‌سالان در بافت فرهنگی و اجتماعی ایران است. درنهایت، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به سه سؤال اساسی است: (۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و شرایط اجتماعی-فرهنگی چه تأثیراتی را بر نظر پیش‌بزرگ‌سالان در مورد ملاک‌های تعریف بزرگ‌سالی می‌گذارد؟ (۲) از نظر پیش‌بزرگ‌سالان در بافت فرهنگی ایران کدام ملاک‌ها برای دستیابی به بزرگ‌سالی مهم قلمداد می‌شوند؟ (۳) پیش‌بزرگ‌سالان از نظر دستیابی به ملاک‌های بزرگ‌سالی در بافت فرهنگی ایران چگونه به تحول فعلی خود می‌نگرند؟

روش

روش پژوهش حاضر از طرح‌های توصیفی و از نوع زمینه‌یابی است. برای انجام پژوهش دانشجویان دانشگاه تهران به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به‌صورت روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بود. معیار قرارگیری افراد در گروه نمونه این بود که براساس سیاهه ابعاد پیش‌بزرگسالی^۱ (ریفمن^۲ و همکاران، ۲۰۰۷) ویژگی‌های این دوره را دارا باشند و بتوان آنان را در دوره تحولی پیش‌بزرگسالی قرار داد. حجم نمونه آماری پس از غربالگری ۳۰۱ نفر برآورد شد که برای پژوهش‌های زمینه‌یابی با ۸ طبقه مناسب است (دلاور، ۱۳۸۴). نمونه آماری پژوهش در گروه علوم انسانی (۱۴۴ نفر = ۴۸ درصد) از دانشکده‌های روان‌شناسی و علوم تربیتی، علوم اجتماعی، مدیریت و اقتصاد؛ در گروه علوم تجربی (۴۶ نفر = ۱۵ درصد) از دانشکده‌های زیست‌شناسی و زمین‌شناسی؛ در گروه ریاضی و فنی (۹۰ نفر = ۳۰ درصد) از دانشکده‌های ریاضی، آمار و علوم کامپیوتر و دانشکده فنی و در گروه هنر (۲۱ نفر = ۷ درصد) از دانشکده هنرهای زیبا انتخاب شدند. دامنه سنی افراد نمونه ابتدا بین ۱۹ تا ۳۶ سال تعیین شد که پس از غربالگری، افراد درون گروه سنی ۱۹ تا ۲۸ با میانگین سنی ۲۵ به‌عنوان پیش‌بزرگسال در نظر گرفته شدند و مورد مطالعه قرار گرفتند.

ابزارها

در این پژوهش با توجه به هدف‌های تحقیق از چهار ابزار استفاده شد: (۱) پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت‌شناختی به منظور آشنایی بیشتر با افراد مورد مطالعه و همچنین بررسی امکان تعمیم نتایج پژوهش، (۲) سیاهه ابعاد پیش‌بزرگسالی (ریفمن و همکاران، ۲۰۰۷) جهت غربالگری افراد پیش‌بزرگسال برای ورود به نمونه، (۳) پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگسالی (آرنت، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۱) در راستای این هدف پژوهش که «از نظر پیش‌بزرگسالان در بافت فرهنگی ایران کدام ملاک‌ها برای دستیابی به بزرگسالی مهم قلمداد می‌شوند» و (۴) پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگسالی (نسخه دستیابی)

1. Inventory of the Dimensions of Emerging Adulthood (IDEA)

2. Reifman

(آرنت، ۲۰۰۱؛ هسین^۱، ۲۰۱۱) برای بررسی این هدف که «پیش‌بزرگ‌سالان از نظر دستیابی به ملاک‌های بزرگ‌سالی در بافت فرهنگی ایران چگونه به تحول فعلی خود می‌نگرند».

۱. پرسش‌نامه اطلاعات جمعیت‌شناختی: جهت شناسایی ویژگی‌های افراد مورد مطالعه و همچنین توانایی کنترل متغیرهای خصیصه‌ای از این پرسش‌نامه استفاده شد. از شرکت‌کنندگان در پژوهش خواسته شد تا مواردی نظیر جنسیت، میزان تحصیلات پدر و مادر، وضعیت تأهل، وضعیت اقتصادی خانواده، وضعیت تحصیلی و مذهبی خود را تعیین کنند. همچنین، جهت بررسی تأثیر ویژگی‌های قومی و طایفه‌ای، دیدگاه‌های مذهبی و مشکلات اقتصادی روی دیدگاه دانشجویان درباره نشانه‌های بزرگ‌سالی این موارد به دقت مورد سؤال قرار گرفتند.

۲. سیاهه ابعاد پیش‌بزرگ‌سالی: ریفمن و همکاران (۲۰۰۷) این ابزار را به منظور بررسی ابعاد پیش‌بزرگ‌سالی و تعیین اینکه آیا افراد در این مرحله تحولی قرار دارند، طراحی کردند. این سیاهه دارای ۳۱ گویه است که ۶ مقیاس: اکتشاف هویت (۷ گویه)، دوران احتمالات (۵ گویه)، عدم ثبات (۷ گویه)، تمرکز بر دیگران (۳ گویه)، تمرکز بر خود (۶ گویه) و احساس بینابین بودن (۳ گویه) را مورد سنجش قرار می‌دهد. این ابزار براساس طیف ۴ تایی از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» طراحی شده است. در سیاهه ابعاد پیش‌بزرگ‌سالی از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود که در مورد وضعیت فعلی‌شان و کمی قبل‌تر و بعدتر فکر کنند و سپس به گویه‌ها پاسخ بدهند. همه گویه‌ها با عبارت محوری «این دوره از زندگی شما» آغاز می‌شوند. مطالعه ریفمن و همکاران (۲۰۰۷) نشان داده است که این سیاهه روایی و پایایی قابل قبولی دارد.

روایی و پایایی سیاهه ابعاد پیش‌بزرگ‌سالی در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت. در حوزه روایی سازه، از تحلیل عاملی تأییدی به منظور تأیید عوامل اندازه‌گیری سازه پیش‌بزرگ‌سالی استفاده شد و نتایج نشان داد که شاخص‌های برازش مدل مناسب بوده‌اند (RMSEA=۰/۰۵، AGFI=۰/۸۸، CFI=۰/۹۲ و CFI=۰/۹۱). بنابراین، مدل ارائه شده می‌تواند به‌عنوان یک الگوی معتبر از نشانه‌های پیش‌بزرگ‌سالی در نظر گرفته

شود. همسانی درونی سیاهه ابعاد پیش‌بزرگ‌سالی با استفاده از آلفای کرانباخ تحلیل شد. نتایج نشان داد که تمام مقیاس‌ها شامل اکتشاف هویت ($\alpha = 0/85$)، دوران احتمالات ($\alpha = 0/83$)، عدم ثبات ($\alpha = 0/82$)، تمرکز بر دیگران ($\alpha = 0/73$)، تمرکز بر خود ($\alpha = 0/70$) و احساس بینابین بودن ($\alpha = 0/80$) همسانی قابل قبولی دارند.

۳. پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگ‌سالی: پرسش‌نامه مورد استفاده در پژوهش نسخه‌ای از پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگ‌سالی آرنت (۱۹۹۴، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸ و ۲۰۰۱) است که علاوه بر ایالت متحده به وسیله پژوهشگران دیگر در آرژانتین (فاسیو و میوکی، ۲۰۰۳)، یونان (پتروگیانیس، ۲۰۱۱)، ترکیه (اتک و کوک، ۲۰۰۷) و کشورهای دیگر مورد استفاده قرار گرفته است (مایسل و شارف، ۲۰۰۳؛ نلسون و همکاران، ۲۰۰۴). گزینه‌های پرسش‌نامه مربوط به آرنت (۱۹۹۴، ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸) براساس ادبیات پژوهشی موجود در حوزه انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی استخراج شده است. پاسخ‌دهی به پرسش‌نامه نسخه اصلی به صورت «بلی» یا «خیر» بوده است، ولی در این پژوهش از یک طیف چهار گزینه‌ای از «مهم نیست» تا «بسیار مهم است» استفاده شد.

پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگ‌سالی دارای ۴۳ سؤال است که هفت مقیاس مختلف را اندازه‌گیری می‌کند. استقلال‌طلبی، توانایی تشکیل خانواده، قبول هنجارها، وابستگی متقابل، گذار زیست‌شناختی، گذار نقش، گذار سنی و قانونی این هفت مقیاس را تشکیل می‌دهند (نک: جدول ۱).

در زمینه روایی و پایایی این پرسش‌نامه آرنت (۲۰۰۳) اشاره می‌کند که سازمان‌دهی خرده‌مقیاس‌های ابزار بر اساس یک رویکرد مبتنی بر نظریه بوده و در آن از روش‌های کمی نظیر تحلیل عاملی استفاده نشده است. او معتقد است رویکرد مبتنی بر نظریه در اینجا برتری دارد؛ زیرا گزینه‌های موجود در پرسش‌نامه بر اساس ادبیات پژوهشی موجود در حوزه‌های علمی معین استخراج شده است. برای نمونه گزینه‌های مربوط به مقیاس «توانایی تشکیل خانواده» از ادبیات موجود در حوزه انسان‌شناسی، گزینه‌های مربوط به مقیاس «گذار نقش» از ادبیات موجود در حوزه جامعه‌شناسی و گزینه‌های مربوط به «وابستگی متقابل» از ادبیات مربوط به نتایج پژوهشی سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ در طبقه متوسط امریکا استخراج شده است (آرنت، ۲۰۰۳: ۶۶).

مقیاس‌ها	توضیح
استقلال‌طلبی (۶ گزینه)	آرنت (۱۹۹۷) استقلال‌طلبی را به‌عنوان مفهومی از بزرگ‌سالی در بین طبقه متوسط امریکا نقل می‌کند. اصل این نظریه از این ایده نشئت می‌گیرد که ایالات متحده یک جامعه فردگراست و در جوامع فردگرا ارزش استقلال به‌عنوان یکی از نشانه‌های بزرگ‌سالی دارای اهمیت است؛ در حالی که در جوامع جمع‌گرا بیشتر بر روابط متقابل تأکید می‌شود (تریاندیس ^۱ و همکاران، ۱۹۹۷، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳).
توانایی تشکیل خانواده (۸ گزینه)	آرنت (۱۹۹۷، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳) توانایی تشکیل خانواده را یکی دیگر از حوزه‌های کلیدی مفهوم بزرگ‌سالی می‌داند. اهمیت این مقیاس از تأکید انسان‌شناسان بر ازدواج نشئت می‌گیرد (اشلگل و باری، ۱۹۹۱). مهارت‌های مربوط به ازدواج از مفاهیم مبتنی بر جنسیت است (گیلمور، ۱۹۹۰). برای مثال، برای زنان مهارت‌هایی مثل خانه‌داری و نگهداری از کودک و برای مردان مهارت‌هایی چون حفظ امنیت خانواده و فراهم‌سازی نیازهای آن مطرح می‌شود.
قبول هنجارها (۸ گزینه)	در مطالعه‌های آرنت (۱۹۹۷، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳) یکی از نشانه‌های بزرگ‌سال قبول هنجارها و احترام به آن‌هاست. افراد مورد مطالعه آرنت برخی از هنجارهای رفتاری را که عدم اجرای آن‌ها باعث آسیب‌رسانی به دیگران می‌شد، نظیر رانندگی در حالت مستی، انجام جرم‌های جزئی و... را برای بزرگ‌سال شدن مهم می‌دانستند؛ ولی در امریکا هنجارهایی نظیر خودداری از مصرف الکل، داشتن تنها یک شریک جنسی و... مهم قلمداد نمی‌شد.
وابستگی متقابل (۵ گزینه)	تا قبل از پژوهش آرنت در سال ۲۰۰۳ این مقیاس جزو مقیاس‌های اصلی پژوهش آرنت نبوده است. وابستگی متقابل مواردی چون متعهد بودن به یک رابطه عشقی بلندمدت، دادن تعهد برای تمام طول زندگی به دیگران، یادگیری توانایی کنترل عواطف و احساسات خویش و... را در برمی‌گیرد.
گذار زیست‌شناختی (۴ گزینه)	رسیدن به رشد کامل زیست‌شناختی می‌تواند یکی از نشانه‌های بزرگ‌سالی باشد. در بسیاری از فرهنگ‌ها بزرگ‌سال شدن را با علائمی چون رسیدن به بلوغ، رشد کامل قد، توانایی بچه‌دار شدن، توانایی بارداری و... شناسایی می‌کنند.
گذار نقش (۶ گزینه)	در بسیاری از مقاله‌های علمی تغییر به ایفای نقش به‌عنوان یک بزرگ‌سال مهم‌ترین جنبه مفهوم بزرگ‌سالی است (رانکلین و کنیون ^۲ ، ۲۰۰۸). در مطالعه‌های اخیر در حوزه پیش‌بزرگ‌سالی بسیاری از تغییرات نقش به‌طور سنتی توسط انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان مهم تلقی شده است. استخدام، پایان تحصیلات، ازدواج، بچه‌دار شدن از جمله تغییرات نقش در بزرگ‌سالی هستند. در مطالعه آرنت (۱۹۹۷) تنها دو مورد استقلال اقتصادی از والدین و زندگی مستقل از والدین به‌عنوان نشانه‌های مهم بزرگ‌سالی مورد تأکید قرار گرفتند.

1. Triandis
2. Rankin & Kenyon

مقیاس‌ها	توضیح
ادامه جدول ۱	
گذار قانونی / سنی (۶ گزینه)	در ایالات متحده، امتیازات قانونی ویژه با گذار به بزرگ‌سالی همراه است. افراد در ۱۸ سالگی می‌توانند سیگار بخرند، در انتخابات شرکت کنند، گواهی‌نامه بگیرند و به خدمت سربازی بروند. همچنین در ۲۱ سالگی می‌توانند مشروبات الکلی خریداری کنند. در ایران نیز افراد با رسیدن به ۱۸ سالگی می‌توانند در انتخابات شرکت کنند و گواهی‌نامه رانندگی بگیرند و برای رفتن به خدمت سربازی ۱۹ سالگی ملاک قرار می‌گیرد.

روایی و پایایی پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگ‌سالی در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت. در حوزه روایی سازه، از تحلیل عاملی تأییدی به منظور تأیید عوامل اندازه‌گیری سازه بزرگ‌سالی استفاده شد و نتایج نشان داد که شاخص‌های برازش مدل مناسب بوده‌اند ($CFI=0/97$ ، $AGFI=0/99$ ، $RMSEA=0/05$ و $CFI=0/01$). بنابراین، مدل ارائه شده می‌تواند به‌عنوان یک الگوی معتبر از نشانه‌های بزرگ‌سالی در نظر گرفته شود. همسانی درونی پرسش‌نامه نیز به وسیله آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و ضرایب آلفا در تمامی مقیاس‌ها رضایت‌بخش بود. جدول ۲ به ارائه ضرایب آلفا مقیاس‌های پژوهش حاضر و مقایسه آن با پژوهش‌های دیگر پرداخته است.

جدول ۲ همسانی درونی پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگ‌سالی

میزان همسانی درونی					مقیاس‌ها
پتروگیانیس (۲۰۱۱)	هسین (۲۰۱۱)	آرنت (۲۰۰۳)	آرنت (۲۰۰۱)	پژوهش حاضر	
۰/۵۶	۰/۷۸	۰/۴۲	۰/۵۷	۰/۶۲	استقلال‌طلبی
۰/۸۹	۰/۹۵	۰/۸۸	۰/۸۸	۰/۶۸	توانایی تشکیل خانواده
۰/۹۰	۰/۸۳	۰/۸۳	۰/۸۸	۰/۸۹	قبول هنجارها
۰/۵۷	-	۰/۶۴	-	۰/۷۳	وابستگی متقابل
۰/۷۷	۰/۸۲	۰/۷۶	۰/۷۶	۰/۸۳	گذار زیست‌شناختی
۰/۸۱	۰/۶۴	۰/۷۳	۰/۶۰	۰/۷۷	گذار نقش
۰/۶۸	۰/۵۲	۰/۶۷	۰/۵۵	۰/۷۵	گذار قانونی / سنی

۴. پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگ‌سالی (نسخه دستیابی): نسخه دوم پرسش‌نامه آرنت با هدف بررسی وضعیت موجود افراد از نظر دستیابی به نشانه‌های بزرگ‌سالی طراحی شده

است. گزینه‌های موجود در پرسش‌نامه بسیار شبیه نسخه اول است با این تفاوت که افراد به جای نمره‌گذاری اهمیت موارد باید بگویند که تا چه حد موارد ارائه شده با وضعیت حاضر آن‌ها سازگار است. پرسش‌نامه دارای یک طیف ۳ گزینه‌ای از به هیچ‌وجه (۱)، تا حدی (۲) و به‌طور کامل (۳) است. تعداد گزینه‌های این نسخه ۳۱ مورد است که ۶ گزینه برای مقیاس استقلال‌طلبی، ۴ گزینه برای مقیاس توانایی تشکیل خانواده، ۸ گزینه برای مقیاس قبول هنجارها، ۵ گزینه برای مقیاس وابستگی متقابل، ۲ گزینه برای مقیاس گذار زیست‌شناختی، ۳ گزینه برای گذار نقش و ۲ گزینه برای گذار سنی و قانونی است.

نتایج همسانی درونی مقیاس‌های این پرسش‌نامه با پژوهش هسین (۲۰۱۱) قابل مقایسه است. برای مقیاس استقلال‌طلبی ضریب همسانی درونی براساس آلفای کراباخ برابر ۰/۰۹ و در مطالعه هسین برابر ۰/۰۸ بود. دلیل پایین بودن ضریب آلفا در این مقیاس شرایط مختلف افراد از نظر استقلال است و دلیلی بر عدم همسانی درونی پرسش‌نامه در این مقیاس نیست. ضریب آلفا در مقیاس توانایی تشکیل خانواده برابر ۰/۶۴ (در مطالعه هسین ۰/۸۰)، قبول هنجارها با حذف گزینه ۶ برابر ۰/۸۳ (در مطالعه هسین ۰/۸۳)، وابستگی متقابل با حذف گزینه ۲۴ برابر ۰/۶۱ (در مطالعه هسین گزارش نشده است) و گذار نقش با حذف گزینه ۳ برابر ۰/۷۷ (در مطالعه هسین ۰/۵۶) بود. در دو مقیاس گذار زیست‌شناختی و گذار سنی و قانونی امکان محاسبه ضریب آلفا به دلیل تعداد کم گزینه‌ها (هر کدام ۲ گزینه) وجود نداشت. در حوزه روایی سازه، از تحلیل عاملی تأییدی به منظور تأیید عوامل اندازه‌گیری سازه پیش‌بزرگ‌سالی استفاده شد و نتایج نشان داد که شاخص‌های برازش مدل مناسب بوده‌اند ($CFI=0.92$ ، $AGFI=0.95$ ، $RMSEA=0.05$) و $CFI=0.90$). بنابراین، مدل ارائه شده می‌تواند به‌عنوان یک الگوی معتبر از دستیابی به نشانه‌های پیش‌بزرگ‌سالی در نظر گرفته شود.

یافته‌ها

از نظر جمعیت‌شناختی، در پژوهش حاضر ۳۰۱ نفر زن و مرد مشارکت داشتند. اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد گروه نمونه در جدول ۳ خلاصه شده است. از آنجایی که سه متغیر جنسیت، وضعیت تأهل و قومیت افراد بر روی دیدگاه آن‌ها تأثیر گذار بوده، تنها اطلاعات توصیفی مربوط به این سه متغیر در جدول آمده است.

جدول ۳ اطلاعات جمعیت‌شناختی افراد شرکت‌کننده در مطالعه

متغیر	تعداد	افراد
جنسیت		
مرد	۱۲۴	٪۴۱
زن	۱۷۷	٪۵۹
وضعیت تأهل		
مجرد	۲۵۰	٪۱/۸۳
متأهل	۵۱	٪۹/۱۶
قومیت		
فارس	۱۶۵	٪۵۵
ترک	۴۰	٪۱۳
کرد	۳۶	٪۱۲
لر	۳۴	٪۱۱
ترکمن	۶	٪۲
عرب	۲	٪۱
سایر اقوام	۱۸	٪۶

برای پاسخ‌گویی به سؤال اول پژوهش مبنی بر «ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و شرایط اجتماعی-فرهنگی چه تأثیراتی بر نظر پیش‌بزرگسالان در مورد ملاک‌های تعریف بزرگسالی می‌گذارد؟» تأثیر متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، عضویت در خرده‌گروه‌های فرهنگی و قومیتی و تعصبات مذهبی بر دیدگاه دانشجویان در مورد ملاک‌های تعریف بزرگسالی مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های جمعیت‌شناختی پژوهش درباره تأثیر جنسیت بر دیدگاه دانشجویان حاکی از آن است که در سه مقیاس توانایی تشکیل خانواده ($P < 0/05$ و $t = -3/58$)، وابستگی متقابل ($P < 0/05$ و $t = -17/2$) و گذار نقش ($P < 0/05$ و $t = 2/84$) بین نظر دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. دختران به‌طور معناداری نشانه‌های مربوط به توانایی تشکیل خانواده و وابستگی متقابل را دارای اهمیت بیشتری می‌دانستند، در حالی که پسران برای نشانه‌های مربوط به گذار نقش ارزش بیشتری قائل بودند (نک: جدول ۴).

در بررسی تأثیر وضعیت تأهل بر دیدگاه دانشجویان درباره نشانه‌های بزرگسالی، یافته‌های پژوهش نشان داد که به‌جز خرده‌مقیاس «گذار قانونی و سنی» در سایر خرده‌مقیاس‌ها بین گروه دانشجویان مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود دارد. افراد مجرد

جدول ۴ نتایج آزمون t مستقل برای بررسی تأثیر متغیر جنسیت تأهل بر دیدگاه پیش‌بزرگ‌سالان

مقیاس‌ها	دختر		پسر		df	t	سطح معناداری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار			
استقلال طلبی	۳/۱۰	۰/۵۴	۲/۹۸	۰/۵۹	۲۹۹	-۱/۸۱	۰/۰۷
توانایی تشکیل خانواده	۲/۹۷	۰/۵۷	۲/۷۲	۰/۶۳	۲۹۹	-۳/۵۸	۰/۰۰*
قبول هنجارها	۲/۶۹	۰/۸۹	۲/۶۱	۰/۸۳	۲۹۹	-۰/۸۳	۰/۴۱
وابستگی متقابل	۳/۰۱	۰/۶۱	۲/۸۴	۰/۶۳	۲۹۹	-۲/۱۷	۰/۰۱*
گذار زیست‌شناختی	۲/۳۶	۰/۸۶	۲/۴۱	۰/۸۶	۲۹۹	۰/۵۵	۰/۵۸
گذار نقش	۲/۳۹	۰/۶۸	۲/۶۳	۰/۷۵	۲۹۹	۲/۸۴	۰/۰۰*
گذار قانونی / سنی	۲/۱۱	۰/۷۲	۲/۱۹	۰/۶۷	۲۹۹	۰/۹۷	۰/۳۳

* $P < ۰/۰۵$

مقیاس‌های استقلال طلبی ($P < ۰/۰۱$ و $t=۵/۰۴$)، توانایی تشکیل خانواده ($P < ۰/۰۱$) و گذار زیست‌شناختی ($P < ۰/۰۵$ و $t=۲/۲۲$) و گذار نقش ($P < ۰/۰۵$ و $t=۲/۸۴$) را به طور معناداری دارای اهمیت بیشتری در بزرگ‌سالی نسبت به افراد متأهل می‌دانستند (جدول ۵).

جدول ۵ نتایج آزمون t مستقل برای بررسی تأثیر متغیر وضعیت تأهل بر دیدگاه پیش‌بزرگ‌سالان

مقیاس‌ها	مجرد		متأهل		df	t	سطح معناداری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار			
استقلال طلبی	۳/۱۲	۰/۵۱	۲/۷۰	۰/۶۵	۲۹۹	۵/۰۴	۰/۰۰*
توانایی تشکیل خانواده	۲/۹۱	۰/۵۶	۲/۶۲	۰/۷۵	۲۹۹	۳/۱۷	۰/۰۰*
قبول هنجارها	۲/۷۴	۰/۸۶	۲/۲۹	۰/۸۰	۲۹۹	۳/۴۲	۰/۰۰*
وابستگی متقابل	۳/۰۱	۰/۵۹	۲/۶۴	۰/۷۰	۲۹۹	۳/۹۱	۰/۰۰*
گذار زیست‌شناختی	۲/۴۳	۰/۸۵	۲/۱۴	۰/۸۶	۲۹۹	۲/۲۲	۰/۰۲*
گذار نقش	۲/۵۳	۰/۷۱	۲/۲۹	۰/۷۲	۲۹۹	۲/۸۴	۰/۰۳*
گذار قانونی / سنی	۲/۱۴	۰/۷۱	۲/۱۵	۰/۶۵	۲۹۹	-۰/۰۷	۰/۹۴

* $P < ۰/۰۵$

در مقایسه بین خرده‌مقیاس‌ها بر اساس اقوام و طوایف گوناگون، با استفاده از آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی بنفرونی تنها در دو مقیاس استقلال طلبی ($P < ۰/۰۵$ و $f=۲/۴۱$) و گذار سنی و قانونی ($P < ۰/۰۵$ و $f=۲/۴۲$) تفاوت معناداری مشاهده شده است. ترک‌ها ($\bar{X} = ۳/۲$) نسبت به لرها ($\bar{X} = ۲/۸۷$) به‌طور معناداری اهمیت بیشتری را برای نشانه‌های

استقلال‌طلبی قائل هستند ($P < 0/05$)؛ این در حالی است که لرها ($\bar{X} = 2/47$) به نشانه‌های مقیاس گذار سنی و قانونی نسبت به فارس‌ها ($\bar{X} = 2$) اهمیت بیشتری می‌دهند ($P < 0/05$). در سایر مقیاس‌ها بین خرده‌فرهنگ‌ها هیچ‌گونه تفاوت معناداری مشاهده نشده است (جدول ۶).

جدول ۶ نتایج آزمون تحلیل واریانس برای بررسی تأثیر متغیر قومیت بر دیدگاه پیش‌بزرگ‌سالان

منبع	SS	df	MS	f	سطح معناداری
بین گروهی	۴/۴۵	۶	۰/۷۴	۲/۴۱	۰/۰۳*
درون گروهی	۹۰/۵۵	۲۹۴	۰/۳۱		
بین گروهی	۲/۹۰	۶	۰/۴۸	۱/۳۲	۰/۲۵
درون گروهی	۱۰۷/۵۸	۲۹۴	۰/۳۷		
بین گروهی	۲/۱۳	۶	۰/۳۵	۰/۴۷	۰/۸۳
درون گروهی	۲۲۴/۴۰	۲۹۴	۰/۷۶		
بین گروهی	۴/۵۳	۶	۰/۷۵	۱/۹۹	۰/۰۷
درون گروهی	۱۱۱/۳۶	۲۹۴	۰/۳۸		
بین گروهی	۶/۷۴	۶	۱/۱۲	۱/۵۴	۰/۱۶
درون گروهی	۲۱۴/۵۳	۲۹۴	۰/۷۳		
بین گروهی	۴/۹۲	۶	۰/۸۲	۱/۶۰	۰/۱۴
درون گروهی	۱۵۰/۱۶	۲۹۴	۰/۵۱		
بین گروهی	۶/۸۶	۶	۱/۱۴	۲/۴۲	۰/۰۳*
درون گروهی	۱۳۸/۷۶	۲۹۴	۰/۴۷		

* $P < 0/05$

در شکل ۱ گویه‌های دارای بیشترین اهمیت در پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگ‌سالی به صورت مقایسه بین خرده‌فرهنگ‌های مختلف ارائه شده است. در تمامی خرده‌فرهنگ‌های ایرانی «پذیرش مسئولانه نتایج اعمال خویش» از بیشترین سطح اهمیت برای بزرگ‌سال شدن برخوردار بوده است. (نک: شکل ۱)

در مورد سؤال دوم پژوهش مبنی بر «از نظر پیش‌بزرگ‌سالان در بافت فرهنگی ایران کدام ملاک‌ها برای دستیابی به بزرگ‌سالی مهم قلمداد می‌شوند؟» یافته‌ها نشان داد که افراد به طور معناداری بیشترین اهمیت را برای نشانه‌های مقیاس استقلال‌طلبی، وابستگی متقابل، توانایی تشکیل خانواده و قبول هنجارها قائل بودند. در حالی که، نشانه‌های مربوط به مقیاس‌های گذار زیست‌شناختی و گذار قانونی به طور معناداری کمتری از متوسط برای بزرگ‌سال شدن از نظر دانشجویان داشتند. نشانه‌های مربوط به مقیاس گذار نقش در سطح متوسط قرار داشت و تفاوت معناداری با میانگین فرضی ۵/۲ نداشت (نک: جدول ۷).



شکل ۱ مقایسه گویه‌های دارای بیشترین اهمیت با توجه به خرده‌فرهنگ‌های مختلف ایرانی

جدول ۷ میانگین و انحراف استاندارد و نتایج آزمون t در مورد اهمیت نشانه‌های بزرگ‌سالی از دیدگاه دانشجویان (میانگین فرضی ۵/۲)

مقیاس‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	df	t	سطح معناداری
استقلال‌طلبی	۳/۰۵	۰/۵۶	۳۰۰	۱۷/۰۷	۰/۰۰*
توانایی تشکیل خانواده	۲/۸۷	۰/۶۱	۳۰۰	۱۰/۵۷	۰/۰۰*
قبول هنجارها	۲/۶۶	۰/۷۰	۳۰۰	-۸/۹۶	۰/۰۰*
وابستگی متقابل	۲/۹۵	۰/۶۲	۳۰۰	۱۲/۴۵	۰/۰۰*
گذار زیست‌شناختی	۲/۳۸	۰/۸۶	۳۰۰	-۲/۴۵	۰/۰۱*
گذار نقش	۲/۵۰	۰/۷۲	۳۰۰	-۰/۲۴	۰/۸۱
گذار قانونی / سنی	۲/۱۴	۰/۷۰	۳۰۰	۸/۹۶	۰/۰۰*

*P < ۰/۰۱

درجه اهمیت هر یک از مقیاس‌ها در مفهوم بزرگسالی نیز به‌طور معناداری با یکدیگر مرتبط بود ($P < 0/01$). کمترین ارتباط بین مقیاس‌های استقلال‌طلبی و گذار زیست‌شناختی ($r=0/40$) و بیشترین ارتباط بین مقیاس‌های وابستگی متقابل و توانایی تشکیل خانواده ($r=0/71$) مشاهده شد (جدول ۸). ارتباط معنادار بین مقیاس وابستگی متقابل و توانایی تشکیل خانواده کاملاً منطقی به‌نظر می‌رسد؛ زیرا کسانی که برای نشانه‌هایی مثل متعهد شدن به روابط عشقی پایدار، متعهد بودن نسبت به دیگران برای تمام طول عمر (والدین، همسر، دوست و...)، کاهش دادن سطح خودمحموری، و افزایش توجه به دیگران و... برای بزرگسال شدن اهمیت قائل باشند، لزوماً اهمیت زیادی به تشکیل خانواده و زندگی مشترک می‌دهند.

جدول ۸ ارتباط بین خرده‌مقیاس‌های مربوط به اهمیت نشانه‌های بزرگسالی

مقیاس‌ها	استقلال‌طلبی	توانایی تشکیل خانواده	قبول هنجارها	وابستگی متقابل	گذار زیست‌شناختی	گذار قانونی / سنی
استقلال‌طلبی	۱					
توانایی تشکیل خانواده	۰/۶۰*	۱				
قبول هنجارها	۰/۴۶*	۰/۴۶*	۱			
وابستگی متقابل	۰/۶۶*	۰/۷۱*	۰/۶۲*	۱		
گذار زیست‌شناختی	۰/۴۰*	۰/۴۸*	۰/۴۶*	۰/۴۹*	۱	
گذار نقش	۰/۳۶*	۰/۴۲*	۰/۵۰*	۰/۴۹*	۰/۴۶*	۱
گذار قانونی / سنی	۰/۲۲*	۰/۳۱*	۰/۴۱*	۰/۳۶*	۰/۵۸*	۰/۴۰*

* $P < 0/01$

زمانی که گویه‌های پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگسالی به‌طور جمعی مورد بررسی قرار گرفتند، ۵ نشانه‌ای که بیشترین اهمیت را دانشجویان برای آن‌ها قائل بودند و تفاوت معناداری با سطح متوسط داشتند، درون مقیاس‌های استقلال‌طلبی، توانایی تشکیل

خانواده و وابستگی متقابل قرار گرفتند. ۵ نشانه‌ای که از نظر دانشجویان کمترین اهمیت برای بزرگ‌سال شدن را داشتند و به‌طور معناداری پایین‌تر از سطح متوسط بودند، به ترتیب در مقیاس‌های گذار سنی و قانونی، استقلال‌طلبی و گذار زیست‌شناختی قرار داشتند (جدول ۹).

جدول ۹ ۵ نشانه دارای بیشترین اهمیت و ۵ نشانه دارای کمترین اهمیت در مفهوم بزرگ‌سالی (میانگین فرضی ۵/۲)

گزینه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	df	t	سطح معناداری
پذیرش مسئولانه نتایج اعمال خویش	۳/۳۶	۰/۸۲	۳۰۰	۱۸/۲۴	۰/۰۰*
برای یک مرد، توانایی اداره مالی خانواده	۳/۳۱	۰/۸۱	۳۰۰	۱۷/۴۱	۰/۰۰*
یادگیری داشتن توان کنترل بر عواطف و هیجان‌های خویش	۳/۲۶	۰/۸۳	۳۰۰	۱۵/۷۷	۰/۰۰*
استقلال اقتصادی از والدین	۳/۱۷	۰/۸۳	۳۰۰	۱۳/۹۴	۰/۰۰*
برای یک مرد، قابلیت اداره خانواده (ایجاد و مدیریت خانواده)	۳/۱۶	۰/۸۷	۳۰۰	۹/۲۹	۰/۰۰*
رشد کامل قد	۲/۰۱	۱	۳۰۰	-۸/۴۸	۰/۰۰*
داشتن حداقل یک بچه	۱/۹۷	۱/۱۱	۳۰۰	-۸/۳۱	۰/۰۰*
نداشتن رابطه عمیق عاطفی با والدین	۱/۸۴	۱/۰۲	۳۰۰	-۱۱/۲۸	۰/۰۰*
داشتن اجازه نوشیدن الکل	۱/۸۰	۱/۰۵	۳۰۰	-۱۱/۶۵	۰/۰۰*
داشتن اجازه سیگار کشیدن	۱/۷۵	۱	۳۰۰	-۱۲/۸۶	۰/۰۰*

* $P < 0.01$

در راستای پاسخ به سؤال سوم پژوهش مبنی بر «پیش‌بزرگ‌سالان از نظر دستیابی به ملاک‌های بزرگ‌سالی در بافت فرهنگی ایران چگونه به تحول فعلی خود می‌نگرند؟» از پرسش‌نامه نشانه‌های بزرگ‌سالی آرنت (نسخه دستیابی) استفاده شد. یافته‌های پژوهش در این بخش نیز جالب توجه بود. مقیاس‌هایی که دانشجویان احساس می‌کردند که بیشترین نشانه‌ها را در آن‌ها دارند به ترتیب عبارت از قبول هنجارها، وابستگی متقابل و استقلال‌طلبی بود؛ دانشجویان از نظر دستیابی به این نشانه‌ها به‌صورت معناداری خود را بالاتر از سطح متوسط ارزیابی کردند. این در حالی بود که آن‌ها مطابقت نشانه‌های مربوط به گذار نقش را در خود به‌صورت معناداری کمتر از سطح متوسط می‌دانستند (جدول ۱۰).

جدول ۱۰ میانگین و انحراف استاندارد و نتایج آزمون t درمورد دستیابی به نشانه‌های بزرگ‌سالی از دیدگاه دانشجویان (میانگین فرضی ۲)

مقیاس‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	df	t	سطح معناداری
استقلال‌طلبی	۲/۱۶	۰/۲۹	۳۰۰	۹/۶۴	۰/۰۰*
توانایی تشکیل خانواده	۱/۹۸	۰/۵۶	۳۰۰	-۰/۶۷	۰/۵۰
قبول هنجارها	۲/۴۰	۰/۵۳	۳۰۰	۱۳/۰۳	۰/۰۰*
وابستگی متقابل	۲/۳۱	۰/۴۴	۳۰۰	۱۲/۲۱	۰/۰۰*
گذار زیست‌شناختی	۱/۹۶	۰/۵۱	۳۰۰	-۱/۴۱	۰/۱۶
گذار نقش	۱/۵۵	۰/۶۰	۳۰۰	-۱۲/۸۷	۰/۰۰*
گذار قانونی / سنی	۲/۰۴	۰/۵۸	۳۰۰	۱/۱۹۲	۰/۲۳

*P < ۰/۰۱

در بررسی میزان انطباق نشانه‌های بزرگ‌سالی با وضعیت فعلی دانشجویان بین گروه سنی ۱۹ تا ۲۸ سال، نتایج نشان داد ۵ نشانه‌ای که دانشجویان به صورت معناداری بیشترین انطباق را با آن‌ها اعلام کردند درون خرده‌مقیاس‌های قبول هنجارها و وابستگی متقابل قرار داشتند؛ اما ۵ نشانه‌ای که دانشجویان در خود به صورت معناداری ضعیف می‌دیدند به ترتیب درون خرده‌مقیاس‌های گذار نقش، وابستگی متقابل، گذار زیست‌شناختی و توانایی تشکیل خانواده قرار می‌گرفتند (جدول ۱۱). تنها ۱۰ درصد از نمونه توانایی خرید یک خانه را داشتند و بقیه ۶۷ درصد در خانه والدین و ۳۰ درصد در خانه‌های اجاره‌ای یا خوابگاهی زندگی می‌کردند. ۱۳ درصد از افراد معتقد بودند علاوه بر توان اداره اقتصادی خویش می‌توانند از نظر اقتصادی از والدین خود نیز نگهداری کنند؛ ولی ۸۷ درصد دیگر از دانشجویان چنین توانی را در خود نمی‌دیدند. درمورد داشتن روابط جنسی ۱۳ درصد افراد روابط مداوم، ۳۱ درصد روابط موردی و ۵۶ درصد از دانشجویان هیچ‌گونه تجربه جنسی نداشتند. این آمار با تعداد افراد مجرد و متأهل در نمونه آماری سازگار بود. از بین دانشجویان ۱۵ درصد دارای شغل دائمی، ۳۰ درصد دارای شغل پاره‌وقت و موردی و ۵۵ درصد بیکار بودند. درنهایت، درمورد نشانه «توان اداره مالی یک خانواده» ۱۸ درصد معتقد بودند که توان مالی کافی برای اداره یک خانواده را دارند. ۳۰ درصد معتقد بودند با دشواری و در حد نیازهای اولیه قادر به اداره مالی خانواده هستند و ۵۲ درصد توان لازم برای اداره مالی خانواده را در خود نمی‌دیدند.

جدول ۱۱ ۵ نشانه دارای بیشترین انطباق و ۵ نشانه دارای کمترین انطباق با شرکت کنندگان در پژوهش (میانگین فرضی ۲)

گزینه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	df	t	سطح معناداری
اجتناب از ارتکاب جرم‌هایی مثل تخریب و دزدی از مغازه‌ها	۲/۵۲	۰/۷۸	۳۰۰	۱۱/۶۵	۰/۰۰*
اجتناب از رانندگی در حالت مستی	۲/۵۰	۰/۷۸	۳۰۰	۱۱/۱۴	۰/۰۰*
اجتناب از مصرف مواد مخدر	۲/۴۹	۰/۷۹	۳۰۰	۱۰/۹۴	۰/۰۰*
متعهد بودن نسبت به دیگران برای تمام طول عمر	۲/۴۶	۰/۶۵	۳۰۰	۱۲/۴۲	۰/۰۰*
اجتناب از نوشیدن الکل	۲/۴۵	۰/۷۵	۳۰۰	۱۰/۴۶	۰/۰۰*
توانایی اداره مالی یک خانواده	۱/۶۵	۰/۷۶	۳۰۰	-۷/۹۴	۰/۰۰*
داشتن یک شغل دائمی	۱/۵۸	۰/۷۳	۳۰۰	-۹/۷۶	۰/۰۰*
داشتن روابط جنسی	۱/۵۷	۰/۷۱	۳۰۰	-۱۰/۷۰	۰/۰۰*
توانایی حمایت اقتصادی از والدین	۱/۵۶	۰/۷۲	۳۰۰	-۱۰/۶۱	۰/۰۰*
توانایی خریدن یک خانه	۱/۴۲	۰/۷۸	۳۰۰	-۱۴/۸۵	۰/۰۰*

*P < ۰/۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

دوره پیش‌بزرگ‌سالی دوره‌ای از زندگی است که از پایان دوره نوجوانی تا نیمه یا پایان دهه دوم زندگی به طول می‌انجامد (آرنت، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷؛ آرنت و تابر^۱، ۱۹۹۴؛ آرنت و تانر^۲، ۱۹۹۴ و ۲۰۰۶). پیش‌بزرگ‌سالی دوره‌ای است که بر اساس مرزهای فرهنگی تعریف می‌شود، هرچند آرنت بر اساس فرهنگ آمریکا و بسیاری از کشورهای صنعتی آن را در دوره سنی ۱۸ تا ۲۵ سال یا نهایت ۲۹ سال تعریف می‌کند؛ ولی این دوره ممکن است از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر در دوره سنی متفاوتی اتفاق افتد. حتی در خرده‌فرهنگ‌ها یا قومیت‌های درون یک فرهنگ گسترده نیز ممکن است سن پیش‌بزرگ‌سالی متفاوت باشد (تانر، ۲۰۰۸). در آمریکا سن پیش‌بزرگ‌سالی بین ۱۸ تا ۲۵ سال (آرنت، ۱۹۹۸، ۲۰۰۰، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷)، در ترکیه بین ۱۹ تا ۲۶ سال (اتک و کوک، ۲۰۰۷) و در بسیاری از کشورهای دیگر نظیر آرژانتین (فاسیو و میوکی، ۲۰۰۷)، چین (نلسون و همکاران، ۲۰۰۴)، جمهوری چکسلواکی (مسیک^۳ و همکاران، ۲۰۰۷)، نپال

1. Arnett & Taber
2. Arnett & Tanner
3. Macek

رگمی^۱ و همکاران، ۲۰۱۱) و رومانی (نلسون، ۲۰۰۰) در اواخر نوجوانی تا اوایل ۳۰ سالگی گزارش شده است. در پژوهش حاضر، به دلیل نوع فرهنگ ایرانی و مسائل اجتماعی و اقتصادی که در حال حاضر گریبان گیر کشور است، بسیاری از عوامل سنتی تعیین کننده بزرگسالی نظیر اشتغال، ازدواج، پایان تحصیلات و... به تأخیر افتاده است. در این پژوهش افراد گروه سنی ۱۸ تا ۲۸ سال پس از غربالگری مورد مطالعه قرار گرفتند.

آرنت (۱۹۹۴، ۱۹۹۷، ۱۹۹۸، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷) در بسیاری از مطالعه‌های خود از پیش بزرگسالان این سؤال را کرده است که «آیا شما احساس می‌کنید که به بزرگسالی رسیده‌اید؟» و اکثریت آنان پاسخ داده‌اند که در شرایط بینابین هستند و در برخی شرایط بله و در برخی شرایط خیر. مطالعه پتروگیانیس (۲۰۱۱) نیز نشان داده شد که ۵۹/۳ درصد از افراد احساس می‌کردند که در شرایط بینابین هستند. در پژوهش حاضر نیز دانشجویان در دامنه سنی ۱۹ تا ۲۸ سال معتقد بودند که در شرایط بینابین (نه بله و نه خیر) هستند. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های آرنت (۲۰۰۱، ۲۰۰۳، ۲۰۱۶)، مایسلس و شارف (۲۰۰۳)، فاسیو و میوکی (۲۰۰۳) همخوان است. در پژوهش حاضر افرادی که ۲۸ سال به بالا بودند اکثریت (یعنی حدود ۸۰ درصد) معتقد بودند که به بزرگسالی رسیده‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد با توجه به نظر مخاطبان و غربالگری صورت گرفته سن پیش بزرگسالی در بین دانشجویان دانشگاه تهران بین ۱۹ تا ۲۸ سالگی است که در این دوره افراد معتقد بودند که در شرایط بینابین دوره نوجوانی و بزرگسالی قرار دارند.

برای پاسخ گویی به سؤال اول پژوهش، ابتدا تأثیر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی-فرهنگی بر روی دیدگاه دانشجویان نسبت به مفهوم پیش بزرگسالی مورد مطالعه قرار گرفت. از نظر متغیر جنسیت تفاوت معناداری بین دختران و پسران در سه خرده‌مقیاس توانایی تشکیل خانواده، وابستگی متقابل و گذار نقش مشاهده شد ($P < 0/05$). نتایج این بخش از پژوهش با پژوهش‌های صورت گرفته در یونان، امریکا و ترکیه متفاوت است. پژوهش پتروگیانیس روی دانشجویان یونانی نشان داد که تنها دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر برای مقیاس استقلال‌طلبی ارزش بیشتری در تعیین مفهوم بزرگسالی قائل هستند ($P < 0/05$) و در دیگر ملاک‌ها هیچ‌گونه تفاوتی دیده نشد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش آرنت (۲۰۱۷) همسو و با نتایج پژوهش حاضر متفاوت است. همچنین، در پژوهش

اریلماز و اتک^۱ (۲۰۰۹) هیچ‌گونه تفاوتی بین دو جنسیت در زمینه اهمیت نشانه‌ها مشاهده نشد. نتایج این بخش از پژوهش با توجه به نوع فرهنگ سنتی ایران قابل تبیین است. در ایران بین دختران و پسران با توجه به فرهنگ اجتماعی و تربیتی تفاوت بسیاری وجود دارد. دختران بیشتر زمان خود را در خانه می‌گذرانند و به‌شدت جهت پایبندی به هنجارها و اعتقادات و اصول تربیت می‌شوند. در خانواده‌های ایرانی معمولاً کنترل بیشتری بر دختران وارد می‌شود و نسبت به پسران در چارچوب‌های بیشتری قرار می‌گیرند. این در حالی است که پسران بیشتر تشویق می‌شوند مستقل‌تر باشند، در جامعه حضور یابند و آزادانه تصمیم‌گیری کنند. چنین الگوی فرهنگی در ترکیه نیز مشاهده می‌شود (اریلماز و اتک، ۲۰۰۹). قبول هنجارها در بین دختران فرهنگ‌های غربی اهمیت کمتری دارد و دختران در این فرهنگ‌ها بیش از همه بر استقلال‌طلبی و توانایی تشکیل خانواده تأکید می‌کنند (آرنت، ۲۰۰۱، ۲۰۰۳، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷؛ فاسیو و میوکی، ۲۰۰۳؛ مسیک و همکاران، ۲۰۰۷؛ مایسل و شارف، ۲۰۰۳).

آرنت معتقد است که دوره بین نوجوانی و بزرگسالی در بسیاری از فرهنگ‌ها وجود دارد؛ ولی این دوره از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از خرده‌فرهنگی به خرده‌فرهنگ دیگر متفاوت است (تانر و همکاران، ۲۰۰۸: ۵۴). در مطالعه حاضر دانشجویانی از گروه‌های مختلف فرهنگی و قومی حضور داشتند. در مقایسه بین مقیاس‌ها بر اساس خرده‌فرهنگ‌ها تنها در دو مقیاس استقلال‌طلبی و گذار سنی و قانونی تفاوت معناداری مشاهده شد ($P < 0/05$). نتایج پژوهش آرنت (۲۰۰۱) در مورد مفهوم بزرگسالی در بین نژادهای آمریکایی سفیدپوست، افریقایی-آمریکایی لاتین و آسیایی-آمریکایی نشان داد که در بین این نژادها در مقیاس استقلال‌طلبی هیچ‌گونه تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اگرچه افریقایی-آمریکایی‌ها، لاتین‌ها و آسیایی-آمریکایی‌ها به دو مقیاس گذار نقش و توانایی تشکیل خانواده نسبت به سفیدپوستان اهمیت بیشتری می‌دادند. همچنین لاتین‌ها بیشتر از سفیدپوستان برای دو مقیاس گذار سنی و زیست‌شناختی ارزش قائل بودند (آرنت، ۲۰۰۱). به طور کلی، در تمامی خرده‌فرهنگ‌های ایرانی شش نشانه بزرگسالی «پذیرش مسئولانه نتایج اعمال خویش»، «برای یک مرد، توانایی اداره مالی خانواده»، «یادگیری داشتن توان کنترل بر عواطف و هیجان‌های خویش»، «استقلال اقتصادی از والدین»، «برای یک مرد،

قابلیت اداره خانواده (ایجاد و مدیریت خانواده)، «تصمیم‌گیری در مورد عقاید و ارزش‌های فردی مستقل از تأثیر والدین و دیگران» بیشترین اهمیت را داشتند. الگوی مشابه با این الگو را در امریکا، چین و آرژانتین نیز می‌توان مشاهده کرد (آرنت، ۲۰۰۱؛ باگر و همکاران، ۲۰۰۶؛ فاسیو و میوکی، ۲۰۰۳).

در مورد سؤال دوم پژوهش «از نظر پیش‌بزرگسالان در بافت فرهنگی ایران کدام ملاک‌ها برای دستیابی به بزرگسالی مهم قلمداد می‌شوند؟» یافته‌ها نشان داد که افراد به ترتیب بیشترین اهمیت را برای نشانه‌های مقیاس استقلال‌طلبی، وابستگی متقابل، توانایی تشکیل خانواده و قبول هنجارها قائل هستند. نشانه‌های مربوط به مقیاس‌های گذار زیست‌شناختی و گذار قانونی کمترین درجه اهمیت و ضرورت را برای بزرگسال شدن از نظر دانشجویان داشتند. انتقال از نوجوانی به بزرگسالی با تغییرات زیست‌شناختی و جسمانی به راحتی قابل تبیین نیست؛ بلکه افراد بر اساس ادراکشان، دیدگاه اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی‌شان و جامعه‌شان ممکن است که ملاک‌های متفاوتی را برای مفهوم بزرگسالی در نظر بگیرند. تقریباً در بیشتر مطالعاتی که صورت گرفته است ملاک استقلال‌طلبی مهم‌ترین جایگاه را داشته است (پتروگیانیس، ۲۰۱۱؛ مایسل و شارف، ۲۰۰۳؛ باگر و همکاران، ۲۰۰۶؛ فاسیو و میوکی، ۲۰۰۳؛ آرنت، ۲۰۰۱ و ۲۰۱۷).

در جوامع سنتی و در نسل‌های گذشته، ورود به بزرگسالی با رویدادهایی چون ازدواج، پایان تحصیلات، و والد شدن همراه بود (گیلمور، ۱۹۹۰؛ اشلگل و باری، ۱۹۹۱). بر اساس دیدگاه انسان‌شناسان در فرهنگ‌های سنتی تنها فرد زمانی بزرگسال قلمداد می‌شود که ازدواج کند و مسئولیت‌های بزرگسالی را برعهده بگیرد. ازدواج فقط رویدادی نیست که بر اساس آن دو فرد یا خانواده به هم پیوند می‌خورند، بلکه نشانه دستیابی به بزرگسالی است. فرایند آماده شدن برای ازدواج در فرهنگ‌های سنتی نیازمند کسب انواع توانایی‌ها و ظرفیت‌هاست تا فرد بتواند مسئولیت‌های مختلف خانوادگی را برعهده گیرد. این مسئولیت‌ها در بین دختران و پسران متفاوت است. برای پسران توانایی تشکیل و حمایت از خانواده اهمیت دارد و برای دختران توانایی خانه‌داری و نگهداری از فرزندان ارزش بیشتری دارد (آرنت، ۲۰۰۱). در دیدگاه جامعه‌شناسان نیز در کنار اهمیت ازدواج، سایر گذارهای نقش‌نظیر پایان تحصیلات و شروع یک کار تمام‌وقت مورد تأکید

قرار می‌گیرد (گولدشیدر^۱، ۱۹۹۹؛ هوگان^۲، ۱۹۸۰، مودل^۳، ۱۹۸۹).

آخرین سؤال پژوهش حاضر به بحث در ارتباط با این موضوع می‌پردازد که پیش‌بزرگ‌سالان از نظر دستیابی به ملاک‌های بزرگ‌سالی در بافت فرهنگی ایران چگونه به تحول فعلی خود می‌نگرند. مقیاس‌هایی که دانشجویان احساس می‌کردند که بیشترین نشانه‌ها را در آن‌ها دارند به ترتیب عبارت از قبول هنجارها، وابستگی متقابل و استقلال‌طلبی بود. این در حالی بود که آن‌ها مطابقت نشانه‌های مربوط به گذار نقش را در خود بسیار کم می‌دانستند. در مطالعه هسین (۲۰۱۱) در مورد پیش‌بزرگ‌سالان امریکایی نتایج نشان داد که آن‌ها به ترتیب معتقد بودند ملاک‌های استقلال‌طلبی، قبول هنجارها، گذار زیست‌شناختی و توانایی تشکیل خانواده با شرایط فعلی آنان بیشترین مطابقت را دارد، ولی ملاک‌های گذار قانونی و سنی و گذار نقش با شرایط آنان کمتر سازگار است. تفاوت دانشجویان یونانی و ایرانی را می‌توان در مورد انطباق ملاک‌ها این‌گونه بررسی کرد که دانشجویان ایرانی معتقدند که گزینه‌های مربوط به قبول هنجارها بیشترین مطابقت را با وضعیت فعلی آنان دارد، این در حالی است که پیش‌بزرگ‌سالان در یونان گزینه‌های مربوط به ملاک استقلال‌طلبی را با وضعیت فعلی خویش بیشتر منطبق می‌دانستند. هم دانشجویان ایرانی و هم دانشجویان یونانی ملاک‌های مربوط به گذار نقش را تا حدود زیادی در خود نمی‌دیدند. این موضوع را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که اغلب برای دانشجویان با توجه به ماهیت تحصیلی‌شان امکان انجام کار تمام‌وقت، ازدواج و... امکان‌پذیر نیست. یافته‌های بسیاری از مطالعات (آرنت، ۱۹۹۷) نشان می‌دهد که بسیاری از پیش‌بزرگ‌سالان هنوز از نظر اقتصادی از سوی والدین خود تأمین می‌شوند و مشغول کار تمام‌وقت نشده‌اند.

در نهایت، هدف پژوهش حاضر بررسی مفهوم گذار به دوره بزرگ‌سالی در میان پیش‌بزرگ‌سالان ایرانی بوده است. از آن جایی که در این حوزه هیچ‌گونه مطالعه داخلی صورت نگرفته است، تعیین سن پیش‌بزرگ‌سالی به مطالعات بیشتری نیاز دارد و لازم است که پژوهش‌های دیگری در دیگر نقاط کشور در این زمینه صورت گیرد تا بتوان نتیجه گرفت که احتمالاً با توجه به مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی چه افرادی در کدام دامنه سنی با ویژگی‌های پیش‌بزرگ‌سالی شناخته می‌شوند. در پژوهش حاضر این رده سنی

1. Goldscheider
2. Hogan
3. Modell

بین ۱۹ تا ۲۸ سال در نظر گرفته شد. یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر، مطالعه روی تنها دانشجویان بوده و این مطالعه به بررسی نشانه‌های بزرگسالی و میزان دستیابی به آن‌ها در سایر گروه‌های اجتماعی نپرداخته است. به نظر می‌رسد که اجرای این پژوهش به منظور شناسایی دقیق‌تر نشانه‌های بزرگسالی و وضعیت دستیابی به آن‌ها در بین گروه‌های اجتماعی دیگر نیز ضروری باشد.

منابع

- دلاور، ع. (۱۳۸۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، تهران: رشد.
- جواد یگانه، م. ر. و هاشمی، س. ض. (۱۳۸۶). نگاهی جدید به مناقشه فردگرایی و جمع‌گرایی در جامعه‌شناسی. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۶ (۱)، ۱۳۱-۱۶۱.
- Atak, H. & Çok, F. (2007). Emerging adulthood and perceived adulthood in Turkey. *3rd Conference on Emerging Adulthood*, Tucson, AZ, USA, 15-16 February 2007.
- Arnett, J. J. (1994). Are college student's adults? their conceptions of the transition to adulthood. *Journal of Adult Development*, 1, 154-168.
- Arnett, J. J. (1997). Young people's conceptions of the transition to adulthood, *Youth & Society*, 29(1), 3-23.
- Arnett, J. J. (1998). Learning to stand alone: The contemporary american transition to adulthood in cultural and historical context. *Human Development*, 41, 295-315.
- Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55, 469-480.
- Arnett, J. J. (2001). Conceptions of the transition to adulthood: Perspectives from adolescence through midlife. *Journal of Adult Development*, 8(2), 133-143.
- Arnett, J. J. (2003). Conceptions of the transition to adulthood among emerging adults America Ethnic Groups. Eds. J.J. Arnett & N.L. Galambos, *New Directions for Child and Adolescent Development: Cultural Conceptions of the Transition to Adulthood*, 100, 63-75. San Francisco: Jossey-Bass.
- Arnett, J. J. (2006). Emerging adulthood: understanding the new way of coming of age. Eds. J. Arnett & J. L. Tanner, *Emerging Adults in America: Coming of age in the 21st Century*, 3-20, Washington, DC: American Psychological Association Press.
- Arnett, J. J. (2007). Emerging adulthood: what is it, and what is it good for? . *Journal Compilation, Society for Research in Child Development*, 1(2), 68-73.
- Arnett, J. J. (2015). *Emerging Adulthood: The Winding Road from the Late Teens Through the Twenties* (2nd ed.). New York, NY: Oxford University Press.
- Arnett, J. J. (2016). Does merging adulthood theory apply across social classes? national data on a persistent question. *Emerging Adulthood*, 4, 227-235.
- Arnett, J. J. (2017). *Adolescence and Emerging Adulthood* (6nd ed.). upper saddle river, New Jersey : Pearson.
- Arnett, J. J., & Taber, S. (1994). Adolescence terminable and interminable: When does adolescence end? . *Journal of Youth and Adolescence*, 23, 517-537.
- Arnett, J. J. & Tanner, J. L. (2006). *Emerging adults in America: Coming of age in the 21st Century*,. 3-20, Washington, DC: American Psychological Association Press.
- Badger, S., Nelson, L. J. & Barry, C. M. (2006). Perceptions of the transition to adulthood among chinese and American emerging adults. *International Journal of Behavioral Development*, 30(1), 84-93.

- Cheah, S. L. & Nelson, L. J. (2004). The role of acculturation in the emerging adulthood of aboriginal college students. *International Journal of Behavioral Development*, 28, 495-507.
- Duty, D.M. (2009). Emerging adulthood, cross-cultural adaptation, and the environment: young hispanics in oklahoma and New Mexico. *Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Doctor of Philosophy*, University of Oklahoma.
- Eryilmaz, A. & Atak, H. (2009). Ready or not? markers of starting romantic intimacy at emerging adulthood: The Turkish experience. *International Journal of Human and Social Sciences*, 4(1), 31-38.
- Facio, A. & Micocci, F. (2003). Emerging adulthood in argentina. Eds.J.J. Arnett & N.L. Galambos, *New Directions for Child and Adolescent Development: Cultural Conceptions of the Transition to Adulthood*, 100., 21-31, San Francisco: Jossey-Bass.
- Furstenberg, F. F. (2016). Social class and development in early adulthood: Some unsettled issues. *Emerging Adulthood*, 4, 236-238.
- Gilmore, D. (1990). *Manhood in the Making: Cultural Concepts of Masculinity*. New Haven: Yale University Press.
- Goldscheider, F. (1999). *The Changing Transition to Adulthood: Leaving and Returning Home*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Hogan, D. P. (1980). The transition to adulthood as a career contingency. *American Psychological Review*, 45, 261-276.
- Hovighurst, R. J. (1952). Social and psychological needs of the aging. *The Annals of the American of Political and Social Science* 279 (1), 11-14.
- Hsin, O. (2011). Growing out of adolescence: conceptions of adulthood, close relationships, and health behaviors of emerging adults with HIV. *Open Access Dissertations*, USA: University of Miami. Available at http://scholarlyrepository.miami.edu/oa_dissertations/627
- Macek, P., Bejcek, J. & Vanickova, J. (2007). Contemporary czech emerging adults: Generation growing up in the period of social changes. *Journal of Adolescent Research*, 22, 444-475.
- Mayseless, O. & Scharf, M. (2003). What does it mean to be an adult? The israeli experience. Eds.J.J. Arnett & N.L. Galambos, *New Directions for Child and Adolescent Development: Cultural Conceptions of the Transition to Adulthood*, 100, 5-20, San Francisco: Jossey-Bass.
- Modell, J. (1989). *Into One's Own: From Youth to Adulthood in the United States, 1920-1975*. Berkeley: University of California Press.
- Musante, D. (2014). *Individuation as an Adolescent Developmental Task: Associations with Adoptee Adjustment*. Doctoral Dissertations, University of Massachusetts – Amherst.
- Nelson, L. J. (2003). Rites of passage in emerging adulthood: Perspectives of young Mormons. Eds.J.J. Arnett & N.L. Galambos, *New Directions for Child and Adolescent Development: Cultural Conceptions of the Transition to Adulthood*, 100, 33-49, San Francisco: Jossey-Bass.
- Nelson, L. J. (2009). An examination of emerging adulthood in romanian college students. *International Journal of Behavioral Development*, 33(5), 402-411.
- Nelson, L. J. & Chen, X. C. (2007). Emerging adulthood in china: The role of social and cultural factors. *Child Development Perspectives*, 1(2), 86-91.
- Nelson, L. J., Badger, S. & Wu, B. (2004). The influence of culture in emerging adulthood: perspectives of Chinese College Students. *International Journal of Behavioral Development*, 28, 26-36.
- Nelson, L.J., & Barry, C.M. (2006). Distinguishing features of emerging adulthood: The role of self-classification as an adult. *Journal of Adolescent Research*, 20, 242-262.
- Petrogiannis, K. (2011). Conceptions of the transition to adulthood in a sample of greek higher education students. *International Journal of Psychology and Psychological Therapy*, 11(1), 121-137.
- Rankin, L. A. & Kenyon, D. B. (2008). Demarcating role transitions as indicators of adult Development in the 21st Century: Who are they? . *Journal of Adult Development*, 15, 87-92.

- Regmi, P., van Teijlingen, E., Simkhada, P. & Acharaya, D. R. (2011). Dating and sex among emerging adults in nepal. *Journal of Adolescent Research*, 26 (6), 675-700.
- Reifman, A., Arnett, J.J. & Colwell, M.J. (2007). Emerging adulthood: Theory, assessment, and application. *Journal of Youth Development*, 2(1), 1-35.
- Rice, Ph. (2001). *Human Development: A Life-Span Approach* (4th Edition), US: Prentice Hall.
- Rosenberger, N. (2007). Rethinking emerging adulthood in Japan: Perspectives from long-term single women. *Child Development Perspectives*, 1 (2), 92- 95.
- Schlegel, A., & Barry, H. (1991). *Adolescence: An Anthropological Inquiry*, New York: Free Press.
- Seiter, L. N. (2010). An examination of emerging adulthood in college students and nonstudents in India. *Journal of Adolescent Research*, 26(4), 506-536.
- Tanner, J. L., Arnett, J. J. & Leis, J. A. (2008). Emerging adulthood: Learning and development during the first decade of adulthood. Eds.M. C. Smith & T. G. Rejo, *Handbook of Research on Adult Development and Learning*, Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Triandis, H. C., McCusker, C., & Hui, C. H. (1990). Multimethod probes of individualism and collectivism. *Journal of Personality and Social Psychology*, 59,1006-1020.
- Zubaroglu, S. (2008). Cultural influences on emerging adulthood: A comparison of European-American and Turkish young adults in their early and late twenties. *Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Doctor of Philosophy*, New School for Social Research of the New School, Turkey.

Archive of SID